

اثربخشی برنامه آشنایی والدین با فرایند تحول نوجوانی میانی بر سبک‌های فرزندپروری و ارتباط والد-کودک

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۱۸

محسن شکوهی یکتا^۱

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانی یک دوره مهم در تحول انسان است و مطالعات متعددی درباره این دوره انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر برنامه آموزش والدین در زمینه آشنایی با تحول نوجوانی میانی بر شیوه‌های فرزندپروری والدین و ارتباط والد-فرزند بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی است. گروه نمونه به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و شامل ۵۰ نفر از مادران دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و سیاهه رابطه والد-کودک (۱۹۹۴) بودند.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس با طرح اندازه‌گیری مکرر نشان داد که برنامه آموزشی حاضر تأثیر معناداری را بر ارتباط والد-کودک نداشته ($p > 0/05$)، ولی در مقیاس شیوه‌های فرزندپروری بامریند، نیمرخ کلی سبک‌های فرزندپروری بعد از برنامه آموزشی حاضر تغییر معناداری را نشان داد ($p < 0/05$) و برنامه مذکور منجر به تغییر سبک‌های فرزندپروری شد. با بررسی خرده‌مقیاس‌ها، مشخص شد که خرده‌مقیاس سهل‌گیرانه تفاوت معناداری را نشان داده است، یعنی آموزش والدین در ارتباط با تحول نوجوانی منجر به افزایش میزان استفاده والدین از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه شده است.

نتیجه‌گیری: برنامه آموزشی حاضر بر ارتباط والد-کودک تأثیر معنادار نداشته و برنامه حاضر دارای اندازه اثر ضعیفی بوده است که نشانگر اثر ضعیف این برنامه بر رابطه والد-فرزند است. نتایج حاصل از نیمرخ سبک‌های فرزندپروری بعد از برنامه آموزشی نشانگر ایجاد تغییرات است، به این معنا که برنامه حاضر منجر به تغییر سبک‌های فرزندپروری در شرکت‌کنندگان شده است. همچنین محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی نیز در ادامه مطرح شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: رشد نوجوانی، آموزش والدین، ارتباط والد-کودک، سبک‌های فرزندپروری

۱. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (myekta@ut.ac.ir)

مقدمه

نوجوانی مرحله مهمی در گستره زندگی است. در این دوره نوجوان سبک ارتباطی خود را با دیگران تعریف می کند. به علاوه، تغییرات هورمونی و جسمانی و نیاز رو به افزایشی از خودمختاری ظهور می یابد (۱). طبق نظر پژوهشگران، رفتارهای پرخطر از جمله بزهکاری و رفتارهای جنسی نایم در این دوره افزایش می یابد (۲) و تعدادی از پژوهشگران نیز بر افزایش قابل ملاحظه استفاده از مواد از اوایل تا اواسط نوجوانی تاکید دارند (مانند ۳). این افزایش به تغییرات زیست شناختی، شناختی و اجتماعی قابل ملاحظه این دوره نسبت داده شده است (۴). همچنین ۱۵ تا ۲۵ درصد از نوجوانان ملاک های تشخیصی برخی از اختلال های روانی را دارند (۵). البته لازم به یادآوری است که تغییرات این دوره، همیشه روند نامطلوب ندارد و در برخی از جنبه ها مثل تحول شناختی دارای فرایندی رو به اعتلا است. به طور مثال در میانه نوجوانی سطوح بالایی از تفکر خلاق نمایان می شود و در این مرحله فعالیت بیشتری در لوب پیشانی نوجوانان نسبت به بزرگسالان مشاهده می گردد (۶).

در گذر از تغییرات سریع موجود در این مرحله، رابطه والد- کودک، پیشگیری از مشکلات روان شناختی و بالفعل ساختن استعدادها حائز اهمیت فراوان است. در واقع، روابط والد- کودک کانون توجه پژوهش های دوره نوجوانی بوده است (۷) که بیشتر آن به طور قدرتمندی از مطالعات بدوی بامریند (۸) در زمینه فرزندپروری تأثیر پذیرفته است. در بین سبک های فرزندپروری (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه^۱)، فرزندپروری مقتدرانه بر گرمی، صمیمت، استفاده از توضیح و استدلال تاکید دارد. پژوهش های قابل ملاحظه ای با بررسی روابط والدین با کودکان و نوجوانان نشان دادند که این سبک فرزندپروری با صلاحیت اجتماعی و موفقیت تحصیلی ارتباط دارد (۹). به علاوه، نوجوانانی که سطوح بالاتری از صمیمت و گرمی مادری، مشارکت، آگاهی و حمایت بیشتر والدین را

گزارش می کنند، به احتمال بیشتری در بالاترین خط سیر تحول وفاداری برحسب نظریه اریکسون قرار می گیرند که مولفه مهمی در تحول روانی اجتماعی نوجوان است و تعهد فرد نسبت به افراد و مؤسسه ها را در جامعه تصدیق می کند (۱۰).

ویژگی های روان شناختی و رفتاری والدین به طور مستقیم با رفتارهای نوجوانان در ارتباط است. به طور نمونه، میزان تحمل آشفتگی^۲ (یا توانایی استقامت در فعالیت هدف محور در عین آشفتگی جسمی یا روانی) مادر، پیش بینی کننده مهمی در تحمل آشفتگی نوجوان محسوب می شود (۱۱). بر این اساس، پژوهشگران بر اهمیت نقش بافت خانواده بر تحول مهارت های تنظیم هیجان دلالت دارند و آنها تأثیر تنظیم هیجان را (علاوه بر دوره نوزادی و اوایل کودکی که در پژوهش های قبلی مشخص شده است) به اواخر نوجوانی نیز به ویژه در ارتباط مادر و دختر نوجوان بسط می دهند.

هلگاندست، پرکینز، لیلد و نیکس (۱۲) در پژوهشی طولی دریافتند انضباط بی ثبات در پایه ششم، افزایش در نگرش های بزهکاری در نوجوان در پایه هفتم، افزایش در رفتارهای ضد اجتماعی اوایل نوجوانی و کاهش در رفتارهای شایسته اجتماعی در پایه هشتم را پیش بینی می کرد. آنان نتایج پژوهش خود را برحسب نظریه یادگیری اجتماعی تبیین کردند، به این منظور والدینی که در انضباط خود بی ثبات هستند، به احتمال بیشتری نوجوانانی با نگرش هایی در جهت رفتار بزهکارانه را پرورش می دهند. به این ترتیب، آنان نتیجه گرفتند که برنامه های مداخله ای پیشگیرانه خانواده محور باید بر کاهش استفاده از انضباط بی ثبات در خانه تاکید کند و به دنبال کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان و ارتقای شایستگی آنان باشد. برادی، یو، بیچ، کگان، ویندل و فیلبرت (۱۳) نیز برحسب یافته های پژوهش خود گزارش کردند که فرزندپروری

2. distress tolerance

1. Permissive, authoritative & authoritarian

خشن تر^۱ به طور مثبتی با خشم و سلامتی ضعیف مرتبط می‌شود.

در مقابل مشخص شده است که روابط بین فردی حمایتی و فرزندپروری حمایت‌گرا نه به ویژه می‌تواند نوجوان را در مقابل نشانگان افسردگی حفاظت کند (۱۴ و ۱۵). نوجوانان با حمایت والدینی بالا نسبت به نوجوانان با حمایت پایین، سازش‌یافتگی بهتر و آشفته‌گی کمتری را نشان می‌دهند (۱۶). تعاملات کمتر حمایت‌گرایانه بین والد و کودک با نشانگان افسردگی جدی‌تر و سبک‌های شناختی منفی‌تر مرتبط هستند (۱۷).

در این راستا، با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری و تعامل والد-کودک، برنامه‌های خانواده‌محور متعددی طراحی شده‌اند. این برنامه‌ها، دارای لایه‌های مختلفی از اثرات مثبت هستند؛ نزدیک‌ترین اثر آن تغییر در روش‌های فرزندپروری برای کاهش مسائل رفتاری و افزایش رفتار شایسته در جوانان است (۱۸). به دنبال این برنامه‌ها، احتمال بهبودی در رفتار فرزندان و به طور متقابل؛ فرزندپروری مؤثر هم تقویت می‌شود. این لایه‌های پیشرونده تغییرات اولیه در سازش‌یافتگی جوانان می‌تواند با تعدادی از اثرات ثانویه، از جمله بهبود در کارکرد تحصیلی، ارتباط بهتر با همسالان و کاهش تسلیم در برابر همسالان منحرف همراه شود (۱۹ و ۲۰). مجموعه دیگر از اثرات ثانویه شامل کارکرد اجتماعی و سازش‌یافتگی شخصی والدین است. مهارت‌های حل مسئله و برقراری ارتباط و نیز حس عامل بودن^۲ که در آموزش والدین فرا گرفته می‌شوند، می‌تواند منجر به کاهش افسردگی والدین، ارتباط بهتر زناشویی و ارتقای منابع اقتصادی خانواده شود (به نقل از ۲۱). به علاوه، گایلرد، المور و اکا (۲۲) اذعان داشته‌اند که درمان‌های خانواده‌محور باید منجر به سطوح بالاتری از حمایت‌های هیجانی و ابزاری^۳ برای والدین شود (به طور مثال برقراری ارتباط، مشارکت والدین). همچنین نتایج پژوهش آنان از

طراحی مداخلات جامعه‌محور^۴ و برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر نقاط قوت نوجوان (راهبردهای مقابله‌ای) و تأثیر خانواده (روابط والد-کودک) حمایت می‌کند. در واقع، به طور اختصاصی‌تر باید اظهار کرد چنین برنامه‌هایی که پویایی خانواده را تغییر و ظرفیت خانواده را از طریق بهبود بخشیدن به پیوند خانوادگی، ارتباط والد-کودک، مشارکت والدین و نظارت والدین ارتقا می‌دهند، در نوع خود موثرترین هستند (۲۳).

آموزش والدین در مورد موضوعات دوره نوجوانی و تحولات آن به همراه شیوه‌های صحیح ارتباطی و فرزندپروری به میزان زیادی حائز اهمیت است. در طول دوره نوجوانی، روابط نوجوان با والدین تغییر می‌کند. از آنجایی که نوجوانان در پی ایجاد خودمختاری هستند، مقدار زمانی که با والدین می‌گذرانند، کاهش می‌یابد و مقداری تعارض میان والد-نوجوان طبیعی است (۲۴ و ۲۵). پژوهش‌ها اشاره می‌کنند که تعارض با والدین در اوایل تا اواسط نوجوانی به بالاترین میزان می‌رسد و زمانی که نوجوانان رسش می‌یابند، این تعارض کاهش می‌یابد (۲۶). این گونه اطلاعات در ارتباط با تحول نوجوان، اگر در اختیار والدین قرار گیرد، می‌تواند در کاهش تعارضات و بهبودی ارتباط والدین-نوجوان مؤثر باشد تا با توجه به آگاهی از روند تحول، نظارت مناسبی را بر فرزند خود داشته باشند. در این راستا، دایشن، پترسون، استولمیلر و اسکینر (۲۷) نیز اشاره می‌کنند که نظارت ضعیف والدین بر فرزندان، در جذب فرزندان به سوی شبکه همسالان منحرف در نوجوانی عامل مهمی به شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت برنامه‌های خانواده‌محور و از طرفی اهمیت دوره نوجوانی، هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی برنامه آموزش تحول نوجوان برای والدین بوده است و اولین برنامه آموزشی در ایران است که به طور اختصاصی بر دوره میانی نوجوانی تأکید دارد. در واقع این پژوهش بر آن است تا

3 . instrumental

4 . community-based intervention

1 . harsher

2 . sense of agency

با آگاه ساختن والدین از تحولات این دوره از نوجوانی، چگونگی برقراری ارتباط با نوجوان و همچنین آشنایی با شیوه های فرزندپروری مناسب، اثر این برنامه را بر ارتباط والد-کودک و شیوه های فرزندپروری آنان مورد ارزیابی قرار دهد.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون تک گروهی است. گروه نمونه به صورت نمونه گیری در دسترس شامل ۵۰ نفر از مادران دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بود که برای شرکت در کارگاه های تحول نوجوانی میانی اعلام آمادگی نمودند. لازم به ذکر است که فرزندان تمامی این والدین در سن نوجوانی میانه (۱۵ تا ۱۸ سال) قرار داشتند. به منظور اجرای برنامه مداخله، این گروه در دو کارگاه آموزشی مجزا و با شرایط و برنامه آموزشی یکسان، هفته ای یک بار و طی ۵ جلسه دو ساعته آموزش دیدند. بررسی اولیه داده ها نشان داد ۱۰ نفر از این گروه در مرحله پیش آزمون و یا پس آزمون غایب بودند، بنابراین پرسشنامه های این افراد از تحلیل حذف گردید و داده های حاصل از ۴۰ شرکت کننده تجزیه و تحلیل شد. این گروه نمونه متشکل از ۱۱ مادر شاغل (۲۷/۵ درصد) و ۲۹ نفر غیرشاغل (۷۲/۵ درصد) بودند. دوازده نفر (۳۰ درصد) از این مادران دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم، چهار نفر (۱۰ درصد) فوق دیپلم، ۱۷ نفر (۴۲/۵ درصد) لیسانس و ۵ نفر (۱۲/۵ درصد) فوق لیسانس و بالاتر بوده و دو نفر نیز تحصیلات خود را گزارش نکرده اند. میانگین سن این مادران ۴۰/۶۵ (با انحراف استاندارد ۷/۸۶) و دامنه تعداد فرزندان بین ۱ تا ۴ نفر گزارش شده است.

ب) ابزار

۱. **سیاه راه رابطه والد-کودک:** سیاه راه رابطه والد-کودک^۱ توسط جرارد (۲۸) ساخته شده و شامل ۷۸ گویه، ۷ خرده مقیاس اصلی و یک زیرمقیاس روایی است. شیوه پاسخ دهی به آن در مقیاس لیکرت چهاردرجه ای (هرگز=۱ تا همیشه=۵) است. این پرسشنامه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می کند و توسط والدین تکمیل می شود. حمایت والدینی^۲، رضایت از فرزندپروری^۳، مشارکت^۴ در فرزند پروری، ارتباط^۵ با فرزند، ایجاد محدودیت^۶، خودمختاری^۷ و جهت گیری نقش^۸ از مقیاس های اصلی هستند و مقبولیت اجتماعی^۹ مقیاس روایی در نظر گرفته می شود. ضریب همسانی درونی گزارش شده برای این ابزار ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۸۱ است. در این پژوهش با توجه به هدف های آن خرده مقیاس های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری که روی هم رفته شامل ۳۱ گویه است، مورد استفاده قرار گرفت. ضرایب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۴ و ۰/۷۳ به دست آمد.

۲. **مقیاس شیوه فرزندپروری بامریند:** مقیاس شیوه فرزندپروری بامریند (۲۹) اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای سی گویه است که ده گویه آن به شیوه سهل گیرانه، ده گویه به شیوه مستبدانه، و ده گویه دیگر به شیوه مقتدرانه به روش های پرورش فرزند مربوط می شود. در این پرسشنامه، آزمودنی ها با مطالعه هر گویه، نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس ۵ درجه ای مشخص می کنند که از ۰ تا ۴ (کاملاً مخالفم = ۰، تا کاملاً موافقم = ۴) نمره گذاری می شود و با جمع نمرات، سه نمره

6 . limit setting

7 . autonomy

8 . role orientation

9 . social desirability

1 . Parent- Child Relationship Inventory (PCR)

2 . parental support

3 . satisfaction with parenting

4 . involvement

5 . communication

هستند. برای ساخت این برنامه پس از مطالعه پیشینه پژوهشی مربوط به آموزش‌های طراحی شده برای والدین این گروه سنی از کودکان تهیه شد. پس از این مرحله، اقدام به انجام نیازسنجی آموزشی از والدین در جامعه هدف (والدین) شد. براساس نتایج نیازسنجی هدف‌های مداخلاتی استخراج و مرحله تدوین محتوا انجام گرفت. زیربنای نظری تدوین برنامه آموزشی حاضر، روی آورد شناختی- رفتاری است. روایی محتوایی بسته توسط متخصصان روان‌شناسی و آموزش بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. هدف این دوره آموزشی ارائه اطلاعاتی از ویژگی‌های طبیعی این دوران و آموزش شیوه‌های موثر برای برخورد‌های مستمری است که با نوجوانان در این دوران پیش می‌آید، به گونه‌ای که مدیریت خانواده را ساده‌تر سازد و درگیری‌های روزمره را کاهش دهد. محتوای کارگاه تحول نوجوان در جدول ۱ ارائه شده است.

مجزا در روش‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه برای هر آزمودنی به دست می‌آید. اسفندیاری (به نقل از ۳۰) ضرایب اعتبار را به روش باز آزمایی برای خرده مقیاس روش سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای روش مستبدانه ۰/۷۷ و برای روش مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش بوری (۳۱) اعتبار این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای روش سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای روش مستبدانه و ۰/۹۲ برای روش مقتدرانه به دست آمده است. این محقق در مورد روایی این پرسشنامه، نتایج زیر را گزارش کرده است: روش مستبدانه با روش سهل‌گیرانه ضریب همبستگی منفی ۰/۵۰ و با روش مقتدرانه نیز ضریب همبستگی منفی ۰/۵۲. در پژوهش حاضر ضرایب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای روش سهل‌گیرانه ۰/۷۱، مستبدانه ۰/۸۰ و مقتدرانه ۰/۶۸ به دست آمد.

ج) شیوه اجرا

کارگاه آموزشی تحول نوجوان ۲ برای والدینی طراحی شده است که فرزندانشان در دوره نوجوانی (۱۵ تا ۱۸ سالگی)

جدول ۱. اهداف جلسه‌های برنامه آموزشی تحول نوجوان برای والدین

جلسه‌ها	محتوای جلسه‌ها
یکم	شناخت باورهای غیرمنطقی والدین و آگاهی از نتایج منفی آنها
دوم	آشنایی با روش‌های انضباطی کارآمد و ناکارآمد
سوم	آشنایی با برخی از تغییرات و ویژگی‌های دوره میانی نوجوانی و آگاهی از رشد جسمانی در این مرحله
چهارم	آشنایی با بعضی از تغییرات و ویژگی‌های دوره میانی نوجوانی در زمینه رشد ذهنی و رشد شخصیت
پنجم	آشنایی با برخی دیگر از تغییرات و ویژگی‌های دوره میانی نوجوانی در زمینه رشد اجتماعی و رشد هیجانی

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاصل از ابزارهای پژوهش در مراحل پیش آزمون و پس آزمون در جدول ۱ ارائه شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که شرکت در کارگاه آموزشی، تغییرات اندکی در میانگین زیرمقیاس‌های سیاهه رابطه والد- کودک به وجود آورده است. این در حالی است که داده‌های حاصل از مقیاس شیوه فرزندپروری بامریند، افزایش میانگین خرده‌مقیاس سهل‌گیرانه (۲۵/۶۹) و کاهش میانگین خرده‌مقیاس مستبدانه (۲۰/۴۱) را نشان می‌دهد.

این کارگاه در مدارس غیرانتفاعی شهر تهران اجرا شده است و مادران دانش‌آموزان در آن شرکت داشته‌اند، اگر چه این برنامه برای پدران هم قابل استفاده است. کارگاه آموزشی تحول نوجوان شامل ۵ جلسه دوساعته است که در جلسه‌های اول و آخر آن پیش آزمون و پس آزمون اجرا گردیده است. لازم به ذکر است که در پایان هر جلسه یک کلیپ اخلاقی/ تربیتی به مدت چند دقیقه برای مخاطبین پخش شد.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی نمره‌های مقیاس شیوه فرزندپروری بامریند و سیاهه رابطه والد- کودک
گروه نمونه در مراحل پیش و پس آزمون

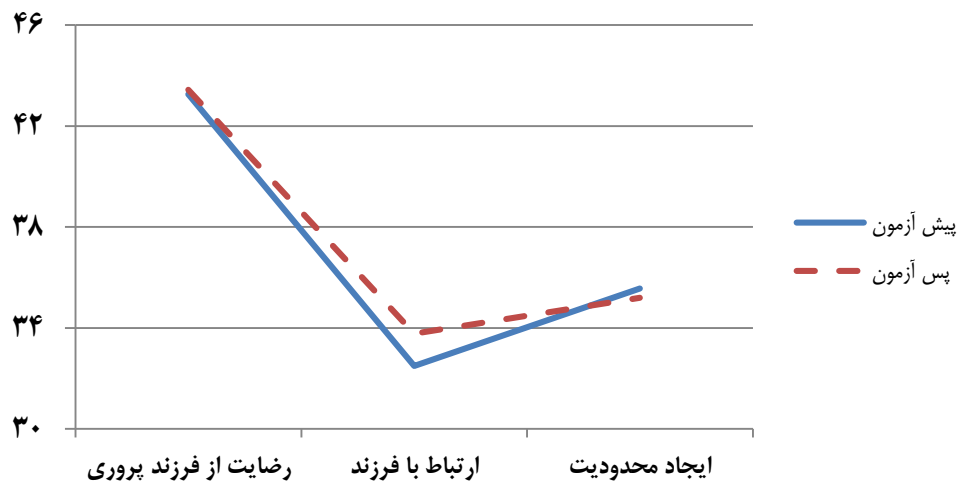
مقیاس	زیرمقیاس	پیش آزمون		پس آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رابطه والد- کودک	رضایت از فرزندپروری	۴۳/۲۵	۳/۸۹	۴۳/۴۳	۳/۸۸
	ارتباط با فرزند	۳۲/۴۹	۳/۰۳	۳۲/۷۷	۳/۲۹
	ایجاد محدودیت	۳۵/۵۶	۳/۴۶	۳۵/۱۹	۳/۷۰
شیوه فرزندپروری	سهل گیرانه	۲۳/۶۶	۳/۸۶	۲۵/۶۹	۴/۴۷
	مستبدانه	۲۱/۱۱	۴/۹۵	۲۰/۴۱	۴/۹۳
	مقتدرانه	۴۳/۲۳	۲/۸۱	۴۳/۵۳	۳/۰۹

بنابراین مفروضه بهنجاری برای تحلیل حاضر مشکل ساز نخواهد بود. برقراری مفروضه هم خطی و تکنیکی نیز از طریق بررسی ضرایب تحمل^۳ و عامل افزایش واریانس^۴ هر یک از متغیرها استفاده شد ((۳۴). بررسی نتایج حاصل نشان داد که کمترین مقدار ضریب تحمل و بیشترین مقدار عامل افزایش واریانس به دست آمده برای متغیرهای وابسته به ترتیب ۰/۳۳ و ۲/۹۸ بود. این یافته به این معنا است که کلیه این ضرایب در دامنه مورد قبول قرار دارند و برقراری مفروضه استقلال داده‌ها نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از انجام تحلیل بر روی داده‌های مقیاس رابطه والد- کودک (با سه خرده مقیاس) نشان داد نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون (شکل ۱) تفاوت معناداری ندارند $\eta^2 = 0/07$ و $p > 0/05$ و $(W = 0/07$ و $F = 0/85$ و $df = (3, 37)$).

در ادامه برای تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار آماری در بین میانگین‌های نمرات خرده مقیاس‌های مراحل پیش و پس آزمون، از تحلیل واریانس با طرح اندازه گیری مکرر استفاده شد. قبل از انجام تحلیل بر روی داده‌های رابطه والد- فرزند، برقراری مفروضه‌های نبود داده‌های پرت، رابطه خطی بین متغیرهای وابسته، توزیع بهنجار متغیرها، نبود تکنیکی^۱ و رابطه همخطی مورد بررسی قرار گرفت (۳۲، ۳۳ و ۳۴). خطی بودن رابطه بین متغیرهای وابسته با بررسی نمودار پراکنش دومتغیری داده‌ها صورت گرفت که این نمودارها مورد خاصی از غیرخطی بودن را نشان نداد. بهنجاری توزیع متغیرها نیز با استفاده از آزمون شاپیرو- ویلک^۲ صورت گرفت، این شاخص برای متغیرهای وابسته بین ۰/۹۴ تا ۰/۹۸ به دست آمد که هیچ یک در سطح ۰/۰۰۱ معنادار نبود.

4 . Variance Increasing Factor (VIF)

1 . absence of singularity
2 . Shapiro- Wilk
3 . tolerance



نمودار ۱. نیمرخ مقیاس رابطه والد- کودک گروه نمونه در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون

$p < 0/05$ ندارند (جدول ۲) و اندازه اثر مربوط به این خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ضعیف قابل طبقه‌بندی است.

بررسی نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها هم نشان داد که هیچیک از میانگین‌های مقیاس، تفاوت معناداری در سطح

جدول ۲. خلاصه یافته‌های آزمون اثر درون آزمودنی میانگین خرده‌مقیاس‌های رابطه والد- کودک

خرده مقیاس	نوع سوم مجموع مجزورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایثای سهمی
رضایت از فرزند پروری	۰/۶۳	۱	۰/۱۵	۰/۷۰	۰/۰۴
ارتباط با فرزند	۱/۶۱	۱	۰/۵۳	۰/۴۸	۰/۰۱
ایجاد محدودیت	۲/۸۶	۱	۱/۲۹	۰/۲۶	۰/۰۳

مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین انجام تحلیل نشان داد نیمرخ میانگین خرده‌مقیاس‌های این سیاهه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری دارند ($\eta^2 = 0/28$ و $p < 0/05$ و $df = (3, 37)$ و $F = 4/72$ و $W = 0/72$). در ادامه برای پی بردن به این که میانگین کدام یک از خرده‌مقیاس‌های شیوه‌های فرزند پروری در بین مراحل پیش آزمون و پس آزمون تفاوت دارند، نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۳). یافته‌ها نشان داد تنها خرده‌مقیاس سهیل‌گیرانه تفاوت آماری معناداری نشان می‌دهد. این یافته بدین معنا است

بررسی مفروضه‌های تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر بر روی داده‌های حاصل از مقیاس شیوه‌های فرزند پروری (با سه خرده‌مقیاس) نشان از خطی بودن رابطه بین متغیرهای وابسته داشت. شاخص آزمون شاپیرو-ویلک متغیرهای وابسته نیز بین ۰/۹۳ تا ۰/۹۷ به دست آمد که هیچ یک در سطح ۰/۰۰۱ معنادار نبود. در ضمن کمترین مقدار ضریب تحمل و بیشترین مقدار عامل افزایش واریانس به دست آمده برای متغیرهای وابسته سیاهه فرزند پروری به ترتیب ۰/۳۱ و ۳/۱۶ بود. این یافته به این معنا است که کلیه این ضرایب در دامنه مورد قبول برای قرار دارند و برقراری مفروضه استقلال داده‌های این سیاهه

که آموزش ارائه شده تنها توانسته است موجب افزایش میزان استفاده والدین از شیوه فرزندپروری سهل گیرانه گردد.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های آزمون اثر درون آزمودنی میانگین زیرمقیاس‌های شیوه‌های فرزندپروری

خرده مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایتای سهمی
سهل گیرانه	۸۲/۳۲	۱	۱۴/۸۲	۰/۰۰۱	۰/۲۸
مستبدانه	۹/۷۲	۱	۱/۵۵	۰/۲۲	۰/۰۴
مقتدرانه	۱/۸۲	۱	۰/۶۰	۰/۴۴	۰/۰۲

بحث و نتیجه گیری

اگرچه پژوهش‌های زیادی در ارتباط با اهمیت دوره نوجوانی و بحران‌های تحولی این دوره انجام شده است، ولی بررسی آموزش‌های مستقیم والدین در ارتباط با تحولات این دوره در قالب برنامه نظام‌مند روانشناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش تحولات مربوط به دوره نوجوانی و تأثیر آن بر ارتباط والد-کودک و سبک‌های فرزندپروری است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که برنامه آموزشی حاضر بر ارتباط والد-کودک تأثیر معنادار نداشته و برنامه حاضر دارای اندازه اثر ضعیفی بوده است که نشانگر اثر ضعیف این برنامه بر رابطه والد-فرزند است. بررسی رئوس برنامه مداخلاتی نیز حاکی از آن است که بهبود ارتباط در این برنامه به عنوان یکی از هدف‌های اصلی برنامه مدنظر نبوده است، هر چند به لحاظ اثرات کارکردی این برنامه، انتظار برای ایجاد تغییرات بهینه در این زمینه، حتی به طور غیرمستقیم وجود داشته است.

بررسی نتایج حاصل از نیم‌رخ سبک‌های فرزندپروری بعد از برنامه آموزشی نشانگر ایجاد تغییرات است. به این معنا که برنامه حاضر منجر به تغییر سبک‌های فرزندپروری در شرکت‌کنندگان شده است. بررسی خرده‌مقیاس‌ها نشان دادند که نمرات خرده‌مقیاس سهل گیرانه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری داشته و آموزش والدین در ارتباط با تحول

نوجوانی منجر به افزایش میزان استفاده والدین از شیوه فرزندپروری سهل گیرانه شده است. در تبیین این یافته به عوامل متعددی می‌توان اشاره کرد. بررسی محتوای گویه‌های این خرده‌مقیاس مشخص می‌کند که بیشتر گویه‌های آن بر آزاد گذاشتن فرزندان برای جستجو و تجربه تاکید دارند، و این نکته نشان دهنده اثر مثبت برنامه حاضر در درک مثبت والدین از دوره نوجوانی است که باعث می‌شود فرزند خود را تا حدی برای تجربه و کنجکاوی آزاد بگذارند. در واقع، والدین به اثرات شناختی و خلاقانه آزادی دادن به فرزند خود آگاه شده‌اند. به علاوه با توجه به محتوای برنامه آموزشی که بر تحول نوجوانی و تحول خودمختاری و هویت در این دوره تاکید دارد، احتمالاً می‌تواند افزایش استفاده از شیوه سهل گیرانه را تقویت کند و والدین گمان کنند که با دادن آزادی بیشتر، حس خودمختاری را در فرزند خود تقویت می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه افزایش نمرات شیوه سهل گیرانه، با پژوهش‌های قبلی که از سوی شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و محمودی (۳۵) در رابطه با آموزش شیوه‌های حل مسئله به مادران دانش آموزان صورت گرفته، نتایج مشابهی دارد و حاکی از افزایش استفاده از شیوه سهل گیرانه به وسیله والدین است. این همخوانی داده‌ها قابل تأمل است و می‌تواند نشان دهنده این مسئله باشد که دوره‌های آموزشی مختلف گاه

می‌تواند اثرات مشابهی را بر سبک‌های فرزندپروری والدین بر جای گذارد.

به هر حال، به رغم معنادار نشدن برخی از خرده‌مقیاس‌های ابزارهای این پژوهش، روند تغییر آنها مطابق با فرضیه‌های پژوهش بود؛ به طوری که یافته‌ها افزایش در میانگین نمرات شیوه فرزندپروری مقتدرانه و کاهش در شیوه مستبدانه را نشان دادند و همچنین بررسی خرده‌مقیاس‌های رابطه والد-کودک بر کاهش ایجاد محدودیت و افزایش در رضایت از فرزندپروری و ارتباط با فرزند دلالت داشتند. در تبیین این اثرات ضعیف ولی محتمل می‌توان چنین اذعان داشت که آموزش تحولات نوجوانی، برخی از ابهام‌های رفتاری نوجوانان را برای والدین روشن ساخته و نگرانی آنها را در ارتباط با مشکلات رفتاری فرزندان تا حدی برطرف ساخته است. از این رو احتمالاً والدین ممکن است مشکلات رفتاری نوجوان خود را کمتر به شیوه فرزندپروری خویش نسبت دهند و احساس رضایت بیشتری از نقش خود داشته باشند؛ به علاوه به طور راحت‌تری با نوجوان خود ارتباط برقرار کنند، در برخورد با مشکلات رفتاری فرزند خود صبورتر باشند و از اعمال محدودیت‌های سرسختانه پیشگیری کنند و نیز محدودیت‌های افراطی و بی‌دلیل کمتری برقرار نمایند.

نکته دیگری که باید در ارتباط با عدم معناداری برخی از نتایج آماری به آن اشاره داشت، نداشتن ارزیابی پیگیرانه است، به طوری که شاید با گذشت زمان بتوان شاهد اثرات معنادار بود، چرا که ممکن است به کارگیری آموخته‌ها نیاز به زمان

داشته باشد. علاوه بر ارزیابی پیگیرانه، می‌توان به حجم کم نمونه نیز اشاره کرد که می‌تواند بر کاهش اندازه اثر برنامه مداخله‌ای تأثیرگذار باشد. دلیل احتمالی دیگری را که می‌توان ذکر کرد این است که شاید معنادار نبودن این موارد بر این نکته دلالت دارد که برنامه‌ها در عین مفید بودن، کافی نبوده و نیاز است که افزایش مواد و زمان برنامه آموزشی حاضر مورد توجه قرار گیرد. همچنین ارزیابی و تحلیل کیفی و مصاحبه نیز می‌توانست به درک بهتر این تغییرات و علل احتمالی آنها کمک کند.

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نبود ارزیابی پیگیرانه که می‌توانست در ارزیابی میزان دوام اثرات برنامه آموزشی حاضر کمک کند، اشاره نمود. همچنین نداشتن گروه گواه یکی از نقاط ضعف پژوهش بود که در نتیجه‌گیری قطعی از پژوهش و کنترل اثرات متغیرهای مزاحم و مداخله‌گر می‌تواند کمک‌کننده باشد. از این رو به پژوهشگران علاقه‌مند توصیه می‌شود که در پژوهش خود به داشتن گروه کنترل، ارزیابی پیگیرانه و استفاده از ابزارهای متنوع و مختلف برای ارزیابی توجه نمایند.

تشکر و قدردانی: از آقای دکتر سعید اکبری زردخانه که تحلیل آماری مقاله را انجام داده‌اند و همچنین سرکار خانم مریم محمودی که در نگارش پیش‌نویس اولیه مقاله کمک نموده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

References

1. Kulaksızoglu A. Young ages and youth problems in our country. *Genclik cagı ve ulkemizde genclik sorunları*. Marmara universitesi, Ataturk Egitim Fakultesi, Egitim Bilimleri Dergisi. 1990; 1:71-87.
2. Huang DY, Lanza HI, Murphy DA, Hser Y-I. Parallel development of risk behaviors in adolescence: potential pathways to co-occurrence. *Int J Behav Dev*. 2012; 36(4):247-57.
3. Chen P, Jacobson KC. Developmental trajectories of substance use from early adolescence to young adulthood: Gender and racial/ethnic differences. *J Adolesc Health*. 2012; 50(2):154-63.
4. Steinberg L. A social neuroscience perspective on adolescent risk-taking. *Dev Rev*. 2008; 28(1):78-106.
5. Newman DL, Moffitt TE, Caspi A, Magdol L, Silva PA, Stanton WR. Psychiatric disorder in a birth cohort of young adults: prevalence, comorbidity, clinical significance, and new case incidence from ages 11 to 21. *J Consult Clin Psychol*. 1996; 64(3):552-562.
6. Kleibeuker SW, Koolschijn PCM, Jolles DD, Schel MA, De Dreu CK, Crone EA. Prefrontal cortex involvement in creative problem solving in middle adolescence and adulthood. *Developmental cognitive neuroscience*. 2013; 5:197-206.
7. Laursen B, Collins WA. Parent—child relationships during adolescence. *Handbook of adolescent psychology*. New York: Wiley; 2009.
8. Baumrind D. Current patterns of parental authority. *Dev Psychol*. 1971; 4(1p2):1-103.
9. Lamborn SD, Mounts NS, Steinberg L, Dornbusch SM. Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Dev*. 1991; 62(5):1049-65.
10. Brittain AS, Lerner RM. Early influences and later outcomes associated with developmental trajectories of Eriksonian fidelity. *Dev Psychol*. 2013; 49(4):722-735.
11. Daughters SB, Gorka SM, Rutherford HJ, Mayes LC. Maternal and adolescent distress tolerance: The moderating role of gender. *Emotion*. 2014; 14(2):416-424.
12. Halgunseth LC, Perkins DF, Lippold MA, Nix RL. Delinquent-oriented attitudes mediate the relation between parental inconsistent discipline and early adolescent behavior. *J Fam Psychol*. 2013; 27(2):293-302.
13. Brody GH, Yu T, Beach SR, Kogan SM, Windle M, Philibert RA. Harsh parenting and adolescent health: A longitudinal analysis with genetic moderation. *Health Psychol*. 2014; 33(5):401-409.
14. Auerbach RP, Bigda-Peyton JS, Eberhart NK, Webb CA, Ho M-HR. Conceptualizing the prospective relationship between social support, stress, and depressive symptoms among adolescents. *J Abnorm Child Psychol*. 2011; 39(4):475-87.
15. Bilsky SA, Cole DA, Dukewich TL, Martin NC, Sinclair KR, Tran CV, Tran CV, Roeder KM, et al. Does supportive parenting mitigate the longitudinal effects of peer victimization on depressive thoughts and symptoms in children? *J Abnorm Psychol*. 2013; 122(2):406-419.
16. Holahan CJ, Valentiner DP, Moos RH. Parental support, coping strategies, and psychological adjustment: An integrative model with late adolescents. *J Youth Adolesc*. 1995; 24(6):633-48.
17. Mezulis AH, Hyde JS, Abramson LY. The Developmental origins of cognitive vulnerability to depression: temperament, parenting, and negative life events in childhood as contributors to negative cognitive style. *Dev Psychol*. 2006; 42(6):1012-1025.
18. Gardner F, Hutchings J, Bywater T, Whitaker C. Who benefits and how does it work? Moderators and mediators of outcome in an effectiveness trial of a parenting intervention. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*. 2010; 39(4):568-80.
19. Spoth R, Randall GK, Shin C. Increasing school success through partnership-based family competency training: Experimental study of long-term outcomes. *Sch Psychol Q*. 2008; 23(1):70-89.
20. Stormshak EA, Connell A, Dishion TJ. An Adaptive approach to family-centered intervention in schools: Linking intervention engagement to academic outcomes in middle and high school. *Prevention Science*. 2009; 10(3):221-35.

21. Reed A, Snyder J, Staats S, Forgatch MS, DeGarmo DS, Patterson GR, Low S, et al. Duration and mutual entrainment of changes in parenting practices engendered by behavioral parent training targeting recently separated mothers. *J Fam Psychol*. 2013; 27(3):343-354.
22. Gaylord-Harden NK, Elmore CA, Montes de Oca J. Maternal parenting behaviors and child coping in African American families. *J Fam Psychol*. 2013; 27(4):607-617.
23. Kumpfer KL, Alvarado R, Whiteside HO. Family-based interventions for substance use and misuse prevention. *Subst Use Misuse*. 2003; 38(11-13):1759-87.
24. Montemayor R. Parents and adolescents in conflict: All families some of the time and some families most of the time. *J Early Adolesc*. 1983; 3(1-2):83-103.
25. Santrock J. Adolescence. 9th ed. Friends and enemies: Peer relations in childhood new. Texas: McGraw-Hill Schneider; 2003.
26. De Goede IH, Branje SJ, Meeus WH. Developmental changes in adolescents' perceptions of relationships with their parents. *J Early Adolesc*. 2009; 38(1):75-88.
27. Dishion TJ, Patterson GR, Stoolmiller M, Skinner ML. Family, school, and behavioral antecedents to early adolescent involvement with antisocial peers. *Dev Psychol*. 1991; 27(1):172-180.
28. Gerard AB. Parent-child relationship inventory. Los Angeles, CA: Western Psychological Services; 1994.
29. Baumrind D. Parenting styles and adolescent development. *The encyclopedia of adolescence*. 1991; 2:746-58.
30. Reesi A. Investigating the relationship between parenting style and mental health of female freshman high school students in the city of Isfahan. University of Isfahan; 2005. [Persian].
31. Buri JR. Parental authority questionnaire. *J Pers Assess*. 1991; 57(1):110-119.
32. Gamst G, Meyers LS, Guarino AJ. Analysis of variance designs: A conceptual and computational approach with SPSS and SAS. New York: Cambridge University Press; 2008.
33. Tabachnick BG, Fidell LS. Experimental designs using ANOVA. Belmont, California: Thomson/Brooks/Cole; 2007.
34. Pallant J. SPSS survival manual: A step-by-step guide to data analysis using SPSS version 15. Maidenhead, Berkshire, England: McGraw-Hill Education; 2007.
35. Shokoohi-Yekta M, Akbari Zardkhaneh S, Mahmoodi M. Impact of teaching problem solving program in the family. *Journal of School Psychology* (in press). [Persian].

The Effectiveness of Parents Training Program on Middle Adolescence Development on Parent-Child Relationship

Mohsen Shokouhi Yekta¹

Received: July 16, 2015

Accepted: December 09, 2015

Abstract

Background and purpose: Adolescence is a critical period in human development and various studies have conducted in this area. Present study aimed to investigate the effectiveness of parents training program in middle adolescence development on parenting styles and parent-child relationship.

Method: Current research was a quasi-experimental study with one group pretest-posttest design. The study sample consisted of 50 mothers of secondary students who were studying in schools of Tehran City that were selected using convenience sampling method. Participants received a five-session training program on middle adolescence development (1/wk, 2 hrs). Data were collected using Parent-Child Relationship Inventory (PCR) and Baumrind Parenting Style Scale (PSS).

Results: Results of analysis of variance with repeated measures showed that the training program had no significant influence on parent-child relationship ($p > 0.05$), while it had significant influence on participants parenting style profile ($p < 0.05$). According to our findings, subjects showed significantly higher scores in permissive parenting style after receiving the training program on middle adolescence development.

Conclusion:: This program had no significant effect on parent-child relationship and showed a small effect size, which is indicative of its weak effectiveness on parent-child relationship. On the other hand, parenting style revealed a significant difference in posttest, which is indicative of the effectiveness of the training program. Research limitations and suggestions are discussed.

Keywords: Adolescence, parent training, parent-child relationship, parenting style

1. Associate Professor, Department of psychology, University of Tehran, Tehran, Iran (myekta@ut.ac.ir)